

فهرست

..... ۵	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ
..... ۱۹	الدَّرْسُ الثَّانِي: الْغُبُورُ الْأَمِينُ
..... ۳۰	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: جِسْرُ الصَّدَاقَةِ
..... ۴۰	الدَّرْسُ الرَّابِعُ: الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ
..... ۵۰	الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الرِّجَاءُ
..... ۵۸	● آزمون های نیم سال اول
..... ۶۴	الدَّرْسُ السَّادِسُ: تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ
..... ۷۳	الدَّرْسُ السَّابِعُ: ثَمَرَةُ الْجِدِّ
..... ۸۲	الدَّرْسُ الثَّامِنُ: حَوَازِ بَيْنِ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ
..... ۹۰	الدَّرْسُ التَّاسِعُ: نُصُوصُ حَوْلِ الصَّحَّةِ
..... ۹۸	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي
..... ۱۰۷	● آزمون های نیم سال دوم
..... ۱۱۶	● آزمون های هماهنگ استان تهران
..... ۱۲۲	● پاسخ نامه تشریحی



در این درس قواعد درس‌های کلاس هفتم و هشتم به همراه تمرین‌های متنوع، دوره و مرور می‌شود.

واژه‌شناسی

توجه در بحث واژه‌شناسی و لغت‌نامه که در زبان عربی «المُعْجَم» و در انگلیسی «Dictionary» نام دارد برای یادگیری بهتر، فعل‌ها، اسم‌ها و حرف‌ها جداسازی شده است؛ چرا که در زبان عربی کلمه بر ۳ قسم است: اسم، فعل و حرف. روبه‌روی برخی واژه‌ها توضیح کوتاهی آمده است؛ مثلاً این که فلان اسم، مصدر، مفرد، مثنی یا جمع است، این فعل، چه زمانی دارد و ...

فعل

إِتَدَأَ: شروع شد (فعل ماضی)، يَبْتَدِئُ (فعل مضارع)
تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد (فعل ماضی)، يَتَخَرَّجُ (فعل مضارع)
أَتَمَمْتُ: آرزو می‌کنم (فعل مضارع)
حُذِّ: بگیر، بردار، ببر (فعل امر)، أَخَذَ: گرفت (فعل ماضی)، يَأْخُذُ: می‌گیرد (فعل مضارع)

دَرَسَ: درس داد (فعل ماضی)، يُدَرِّسُ (فعل مضارع)
زَارَ: زیارت کرد (فعل ماضی)، يَزُورُ (فعل مضارع)
زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد (فعل ماضی)، يَزِيدُ (فعل مضارع)
سَاعَدَكَ اللَّهُ: خدا قوت، سَاعَدَ: کمک کرد (فعل ماضی)، يُسَاعِدُ: (فعل مضارع)

سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید (فعل ماضی)، يَسْأَلُ (فعل مضارع)
يُحَذِّرُ: هشدار می‌دهد (فعل مضارع)، حَذَّرَ (فعل ماضی)
نَبَقْنِي: می‌مانیم، بَقِيَ: ماند (فعل ماضی)، يَبْقَى (فعل مضارع)
يَمْشُونَ: راه می‌روند (فعل مضارع)، مَشَى (فعل ماضی)

اسم

أَمِنَ: ایمن، أَلْعَبُورُ الْأَمِنَ: عبور و مرور ایمن (ترکیب وصفی: موصوف و صفت)
بَنِينَ: پسران (مفرد آن ← ابْن)
تَلَامِيذُ: دانش‌آموزان (مفرد آن ← تَلْمِيذ)
جُلُوس: نشستن (مصدر)
دِرَاسَة: تحصیل، درس‌خواندن (مصدر)
دِرَاسِي: تحصیلی
دَهَاب: رفتن (مصدر)، تُرِيدُونَ الدَّهَابَ: می‌خواهید بروید



ر صیف: پیاده‌رو

عام دِرَاسِيّ: سال تحصیلی

قیام: برخاستن (مصدر)

مَمَاة: مرگ = موت (حياة)

مِنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ: پارک آموزش ترافیک

حرف

ها: هان (حرف تنبیه و آگاه کردن)

صِعب: سختی‌ها (مفرد آن ← صَعْب)

عام: سال

مُشاة: پیادگان (مفرد آن ← ماشي)

مَمَرُ الْمُشاة: گذرگاه پیاده (ترکیب اضافی)

مَوْقِف: ایستگاه

أَهْلًا وَ سَهْلًا

خوش آمدید

خوش آمدید

يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَالطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛
شروع می‌شود سال تحصیلی جدید می‌رود (می‌روند) دانش‌آموزان [پسرا] و دانش‌آموزان [دختر] به مدرسه با خوشحالی
سال تحصیلی جدید شروع می‌شود. دانش‌آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می‌روند؛

هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرِّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ
آن‌ها حمل می‌کنند (می‌برند) کیف‌هایشان و راه می‌روند بر پیاده‌رو و عبور می‌کنند
آن‌ها کیف‌هایشان را [با خود] حمل می‌کنند و در پیاده‌رو راه می‌روند و برای عبور و مرور ایمن

مَمَرُ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمِينِ؛ الشُّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ.
گذرگاه پیاده برای عبور و مرور ایمن خیابان‌ها پر از پسران و دختران [است]
از گذرگاه پیاده رد می‌شوند (عبور می‌کنند)؛ خیابان‌ها پر از پسران و دختران است.

يَبْتَدِئُ فَضْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.
شروع می‌شود فصل درس خواندن و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان
فصل تحصیل، خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان آغاز می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بسیار بخشنده مهربان
با نام خداوند بسیار بخشنده مهربان [تحصیل را شروع می‌کنم].

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي أَدْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي
شروع می‌کنم با نام خداوند سختم [را] یاد می‌کنم پروردگارم [را] هنگام برخاستن
سختم را با نام خداوند شروع می‌کنم. هنگام برخاستن پروردگارم را یاد می‌کنم.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي أَدْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي
شروع می‌کنم با نام خدا درس‌هایم [را] یاد می‌کنم پروردگارم [را] هنگام نشستن
درس‌هایم را با نام خدا شروع می‌کنم. هنگام نشستن پروردگارم را یاد می‌کنم.

أَقْرَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	كِتَابِي	أَسْأَلُ	رَبِّي	حَلَّ	صِغَابِي
می خوانم	با نام	خدا	کتابم [را]	درخواست می کنم	[از] پروردگارم	حل	سختی هایم
کتابم را با نام خدا می خوانم.				حل سختی هایم را از پروردگارم درخواست می کنم.			

مَكْتَبُنَا	نُورٌ	وَ	حَيَاةٌ	فِيهِ	دُعَاءٌ	فِيهِ	صَلَاةٌ
آیین ما	روشنایی	و	زندگی [است]	در آن	دعا [است]	در آن	نماز [است]
آیین (دین) ما [سراسر] روشنایی و زندگی است.				در آن دعا است، در آن نماز است.			

فِيهِ	عُلُومٌ	فِيهِ	كَمَالٌ	فِيهِ	كُنُوزٌ	فِيهِ	جَمَالٌ
در آن	دانش ها [است]	در آن	کمال [است]	در آن	گنج ها [است]	در آن	زیبایی [است]
در آن دانش ها است، در آن رشد و کمال است.				در آن گنج ها است، در آن زیبایی است.			

يَتَخَرَّجُ	مِنْهُ	الْعُلَمَاءُ	وَ	يُدْرَسُ	فِيهِ	الْحُكَمَاءُ
دانش آموخته می شود [می شوند]	از آن	اندیشمندان	و	درس می دهد [می دهند]	در آن	دانیان
اندیشمندان از آن (آیین) دانش آموخته می شوند.				و دانیان در آن درس [ادانایی و زندگی] می دهند.		

ها	كُتِبِي	أَنْوَارٌ	سَمَائِي	مَرْحَمَةٌ	كَنْزٌ	كَدَوَائِي
هان	کتاب هایم	روشنایی های	آسمانم [هستند]	مهربانی،	گنج،	مانند دارویم [هستند]
هان [آگاه باش که]، کتاب هایم روشنایی های آسمان [زندگیم] هستند.				[آری] مهربانی و گنج [هستند] و مانند دارویم [هستند].		

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	أُمُورِي	فَاسْمُ	إِلَهِي،	زَادٌ	سُرُورِي
شروع می کنم	با نام	خدا	کارهایم [را]	بنابراین، نام	خدایم،	افزود	خوشحالیم [را]
کارهایم را با نام خداوند آغاز می کنم.				بنابراین [در آغاز هر کاری] نام خدایم خوشحالیم را افزایش می دهد [افزایش داد].			

توجه مطالبی که به عنوان قواعد در این درس ذکر شده، یادآوری خلاصه قواعد کتاب های هفتم و هشتم می باشد که باید به عنوان دانسته های قبلی و سنگ زیرینا خوب بخوب بدانید تا بتوانید در درس های بعدی نیز توانمند باشید.

آشنایی با قواعد و ساختار کلمه

۱ اگر بخواهیم به موجودات اطراف خود اشاره کنیم، از واژه های زیر استفاده می کنیم:

هَذَا	هَذِهِ	هَذَانِ	هَئَانِ	هَؤُلَاءِ	ذَلِكَ	تِلْكَ	أُولَئِكَ	هَئَانِ	هَئَانِكَ
این	این	این ها	این ها	این ها، این	آن	آن	آن ها	این جا	آن جا

مانند هَذَا كِتَابٌ. (این کتاب است) هَئَانِ الطَّالِبَتَانِ ذَكِيَّتَانِ. (این دو دانش آموز، باهوش هستند) تِلْكَ الْمَدْرَسَةُ بَعِيدَةٌ. (آن مدرسه، دور است)
 ۲ انسان موجودی است پرسشگر و سؤال کننده؛ بر این اساس اگر بخواهیم در مورد موجودات، وجود داشتن یا نداشتن شان و کارهایی که انجام می دهند بپرسیم، از واژه های زیر استفاده می کنیم:

أَيَا	هَلْ	مَنْ	مَا	أَيْنَ	مَتَى	كَيْفَ	كَمْ	أَيَّ	مَاذَا	لِمَاذَا	مِنْ أَيْنَ	إِلَى أَيْنَ
آیا	آیا	چه کسی	چه چیزی	کجا	کی، چه وقت	چه طور، چگونه	چند، چه قدر	کدام	چه	چرا	از کجا	به کجا



لِمَنْ	مِنْ أَيْ	فِي أَيْ	لِمَ	بِمَ
↓	↓	↓	↓	↓
مال چه کسی؟، مال چه کسانی؟	از کدام	در کدام	چرا	با چه چیزی

مانند هَلْ كَتَبْتَ؟ (آیا نوشتی؟) كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چه طور است؟) لِمَ خَرَجْتُمْ؟ (چرا بیرون رفتید؟) فِي أَيِّ مَدِينَةٍ تَعِيشُونَ؟ (در کدام شهر زندگی می کنید؟)

۳ در برخی موارد که نمی خواهیم اسم کسی یا چیزی را مستقیماً یاد کنیم از اسم دیگری که جانشین آن شده است بهره می بریم؛ یعنی از «ضمیر» استفاده می کنیم. به عبارت دیگر، ضمیر کلمه ای است که جانشین اسم می شود؛ بنابراین ضمیر باید از نظر تعداد و جنسیت (مذکر یا مؤنث بودن) با اسمی که جانشین آن شده است، هماهنگی و هم خوانی داشته باشد. ضمیرها در زبان فارسی و عربی دو گونه اند: ضمیرهای جدا (منفصل)، ضمیرهای پیوسته به کلمه قبل از خود (متصل).

ضمیرهای جدا (منفصل) در زبان فارسی

من، تو، او / ما، شما، ایشان (آنها)

ضمیرهای جدا (منفصل) در زبان فارسی و معادل آن در زبان عربی

من (أَنَا)	تو (أَنْتَ، أَنْتِ)	او (هُوَ، هِيَ)
↓	↓ ↓	↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر مؤنث

ما (نَحْنُ)	شما (أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ)	ایشان (هُمَا، هُم، هُنَّ)
↓	↓ ↓ ↓	↓ ↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر و مؤنث مذکر مؤنث	مذکر و مؤنث مذکر مؤنث

ضمیرهای پیوسته (متصل) در زبان فارسی

م، ت، ش / ...مان، ...تان، ...شان

ضمیرهای پیوسته (متصل) در زبان فارسی و معادل آن در زبان عربی

...م (ي)	...ت (كَ، لَ)	...ش (ه، ها)
↓	↓ ↓	↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر مؤنث	مذکر مؤنث

...مان (نا)	...تان (كُما، كُم، كُنَّ)	...شان (هُما، هُم، هُنَّ)
↓	↓ ↓ ↓	↓ ↓ ↓
مذکر و مؤنث	مذکر و مؤنث مذکر مؤنث	مذکر و مؤنث مذکر مؤنث

یادآوری ۱ اسم های اشاره و ضمیرها از نظر جنسیت به دو دسته مذکر و مؤنث تقسیم می شوند. به عنوان مثال:

هذا، ذلك، هُوَ، هُم، أَنْتَ، أَنْتُمْ ← برای مذکر استفاده می شود. هذه، تلك، هي، هُنَّ، أَنْتِ، أَنْتُنَّ ← برای مؤنث استفاده می شود.

بنابراین (هَذَا الْمَدْرَسَةُ، تِلْكَ الْقَلَمُ، هِيَ طَالِبٌ، أَنْتَ طَبِيبٌ) نادرست و (هَذِهِ الْمَدْرَسَةُ، ذَلِكَ الْقَلَمُ، هُوَ طَالِبٌ، أَنْتِ طَبِيبَةٌ) درست است.

یادآوری ۲ در زبان عربی به دلیل این که مبحث «مذکر و مؤنث» و نیز «مثنی» مطرح است، ضمیرها در ۱۴ شکل ظاهر می شوند ولی در زبان

فارسی به دلیل مطرح نبودن «مذکر و مؤنث» و «مثنی» در ۶ شکل اجرا می شوند: (من - تو - او - ما - شما - آنها «ایشان»)

۴ یکی از ارکان مهم یک جمله، «فعل» است. فعل، کلمه ای است که انجام دادن کار یا حالت کسی یا چیزی را در یکی از زمان های ماضی،

مضارع و مستقبل بیان می کند.

تقسیم فعل از نظر زمان

زمان‌های فعل عبارت‌اند از:

ماضی مثبت، ماضی منفی، مضارع مثبت، مضارع منفی، مستقبل (آینده).

الف ماضی مثبت: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان گذشته (ماضی) و ساختار آن عبارت است از:

بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

آشکار است که از مصدر (که مکان صدور و تولید فعل است) فعل ماضی ساخته می‌شود. به عنوان مثال از مصدر کِتَابَة (نوشتن)، ذَهَاب (رفتن) و سُؤَالَ (پرسیدن)، فعل‌های کَتَبَ (نوشت)، ذَهَبَ (رفت) و سَأَلَ (پرسید) تولید می‌شود.

ب ماضی منفی: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام نشدن کار در زمان گذشته (ماضی) و ساختار آن عبارت است از:

ما + بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

ما ذَهَبْتُ	ما كَتَبْنَا	ما خَرَجْتُ	ما مَلَكْتُ
↓	↓	↓	↓
نرفتم	ننوشتیم	خارج نشدید	فرمانروا نشدی

ج مضارع مثبت: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان حال، و ساختار آن عبارت است از:

حروف مضارعه (یا حروف «تینا») ← (ی - ت - ا - ن) + بن و ریشه فعل + [پسوند و ضمیر فاعلی]

يَكْتُبُ	تَعْرِفُونَ	أَذْكُرُ	نَعْلَمُ	يَضْحَكُونَ	يُزْعَنُ	تَرْجَعْنَ
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
می‌نویسد	می‌شناسید	یاد می‌کنم	می‌دانیم	می‌خندند	می‌کارند	باز می‌گردید

د مضارع منفی: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام نشدن کار در زمان حال و ساختار آن عبارت است از:

لا + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

لا يَكْذِبُ	لا تَظْلِمُ	لا تَعْمَلِينَ	لا تَخْدُمُونَ	لا تَجْمَعُ
↓	↓	↓	↓	↓
دروغ نمی‌گوید	ستم نمی‌کنی، ستم نمی‌کند	کار نمی‌کنی	خدمت نمی‌کنید	جمع نمی‌کنیم

ه مستقبل: فعلی است که دلالت می‌کند بر انجام یافتن کار در زمان آینده (دور یا نزدیک) و ساختار آن عبارت است از:

سَـ + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

سَوْفَ + مضارع + [پسوند و ضمیر فاعلی]

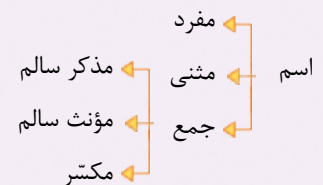
سَأَصِيرُ	سَوْفَ أَكْتُبُ	سَتَعْمَلُ	سَوْفَ تَقْضِي	سَتَفْرَحُنَ
↓	↓	↓	↓	↓
خواهم شد	خواهم نوشت	انجام خواهی داد، انجام خواهد داد	معاینه خواهی کرد	شاد خواهید شد

۶ شکل و ساختار فعل در زبان فارسی و ۱۴ شکل معادل آن در زبان عربی

فعل نیز همانند ضمیر، از نظر شکل و ساختار در زبان فارسی ۶ حالت دارد (اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد، اول شخص جمع، دوم شخص جمع، سوم شخص جمع) ولی در زبان عربی به دلیل وجود مثنی (میان مفرد و جمع) و نیز جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) ۱۴ حالت وجود دارد. به عنوان مثال، از مصدر «نوشتن = الْكِتَابَةُ» ۶ صیغه ماضی فارسی و معادل عربی آن این گونه است:

عربی	فرد		مثنی		جمع	
	مذكر	مؤنث	مذكر	مؤنث	مذكر	مؤنث
نوشتن	كَتَبْتُ	كَتَبْتُ				
نوشتی	كَتَبْتَ	كَتَبْتِ				
نوشت	كَتَبَ	كَتَبَتْ				
نوشتیم			كَتَبْنَا	كَتَبْنَا	كَتَبْنَا	كَتَبْنَا
نوشتید			كَتَبْتُمَا	كَتَبْتُمَا	كَتَبْتُمْ	كَتَبْتُنَّ
نوشتند			كَتَبُوا	كَتَبْنَ	كَتَبُوا	كَتَبْنَ

۵ اسم نیز مانند فعل از نظر تعداد و جنسیت اقسامی دارد که عبارت‌اند از:



فرد: اسمی است که بر یک موجود دلالت می‌کند و علامت خاصی ندارد. مانند: الله، کتاب، قلم، ذئب، فَرْخ، جَبَل، تَلْمِیْذَة، کاتِبَة

مثنی: اسمی است که بر دو موجود دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ان - ین) در آخر اسم مفرد ساخته می‌شود. **مانند:** خَدَّادَانِ - خَدَّادَتَانِ -

کَاتِبَانِ - کَاتِبَتَانِ - مَزْرَعَتَانِ - مَزْرَعَتَتَانِ - شَجَرَتَانِ - شَجَرَتَتَانِ - مُعَلِّمَتَانِ - مُعَلِّمَتَتَانِ - یدَانِ - یدَتَانِ

جمع مذكر سالم: اسمی است که بر بیش از دو موجود (مذكر) دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ون - ین) در آخر اسم مفرد مذكر ساخته می‌شود.

مانند: مُسْلِمُونَ - مُسْلِمَاتُ - مُعَلِّمُونَ - مُعَلِّمَاتُ - لَاعِبُونَ - لَاعِبَاتُ

جمع مؤنث سالم: اسمی است که بر بیش از دو موجود (مؤنث) دلالت می‌کند و با آوردن حروف (ات) در آخر اسم مفرد مؤنث ساخته می‌شود.

مانند: مُسْلِمَاتُ - مُؤْمِنَاتُ - فَرِحَاتُ - ضَاحِكَاتُ - مَسْرُورَاتُ

جمع مکسر: اسمی است که بر بیش از دو موجود دلالت می‌کند و معیار خاصی برای ساختن آن وجود ندارد، به بیان دیگر ساختار مفرد آن

شکسته می‌شود (مُکَسَّر = شکسته‌شده) و وزن خاصی ندارد و باید این گونه جمع‌ها را به ذهن سپرد، مانند: رُؤَّار (جمع زائر) - غَزَالان (جمع غزاله) -

خَوَاص (جمع حاجة) - جبال (جمع جَبَل) - أَقْرَبَاء (جمع قَرِيب) - دُنُوب (جمع ذَنْب) - ذُنَاب (جمع ذئب) - مَلَاعِب (جمع مَلْعَب) - أَقْمَار (جمع قَمَر)

توجه: هرگاه با اسمی که جمع مکسر است روبه‌رو شدیم، باید به سه موضوع توجه کنیم:

الف) مفرد جمع مکسر چیست؟ **ب)** ترجمه و معنای آن چیست؟ **ج)** آیا جمع مکسر در مورد انسان است یا غیرانسان؟

۶ باید به انواع «ما» توجه کنیم:

انواع «ما»

- «ما»ی پرسشی ← کلمه‌ای پرسشی است به معنای «چه چیزی؟» و در واقع اسم است ← اسم استفهام
- «ما»ی نفی ← کلمه‌ای است که پیش از فعل ماضی می‌آید و آن را منفی می‌کند و در واقع حرف است ← حرف نفی

ما هذا؟ (این چیست؟)

ما تِلْكَ بِیْمِینِكَ یا موسی؟ (ای موسی، در دست راست چیست؟)

ما خَرَجْتَ. (خارج نشدی.)

ما سَمِعْنَا. (نشنیدیم.)

۷ اگر بخواهیم عبارتی را بسازیم که اول اسم بیاید و سپس فعل؛ باید میان اسم و فعل (که اصطلاحاً نهاد و گزاره یا مبتدا و خبر نام دارد) از

نظر صیغه، تعداد (مفرد، مثنی و جمع) و جنسیت (مذكر و مؤنث) هماهنگی وجود داشته باشد.

التَّلْمِيزُ مَا رَجَعَتْ إِلَى بَيْتِهِ. ← (نادرست) / التَّلْمِيزُ مَا رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ. ← (درست)

التَّلَامِيزُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ. ← (نادرست) / التَّلَامِيزَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ. ← (درست)

أَنْتَنْ نَصَرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ. ← (نادرست) / أَنْتُمْ نَصَرْتُمْ أَصْدِقَاءَكُمْ. ← (درست)

الْأَعْدَاءُ هَزَبُوا مِنَ الْحَرْبِ. ← (نادرست) / الْأَعْدَاءُ هَزَبُوا مِنَ الْحَرْبِ. ← (درست)

۸ آشنایی با برخی از واژه‌ها که دانستن آن‌ها کاربرد بیشتری در مکالمه و زندگی دارد:

الف روزهای هفته: اَلسَّبْتُ (شنبه) - اَلْأَحَدُ (یک‌شنبه) - اَلْاِثْنَيْنِ (دوشنبه) - اَلثَّلَاثَاءُ (سه‌شنبه) - اَلْأَرْبَعَاءُ (چهارشنبه) - اَلْخَمِيسُ (پنج‌شنبه) - اَلْجُمُعَةُ (جمعه)

ب فصل‌ها: اَلرَّبِيعُ (بهار) - اَلصَّيْفُ (تابستان) - اَلْخَرِيفُ (پاییز) - اَلشِّتَاءُ (زمستان)

ج رنگ‌ها: اَبْيَضُ (سفید) - اَسْوَدُ (سیاه) - اَحْمَرُ (قرمز) - اَزْرَقُ (آبی) - اَخْضَرُ (سبز) - اَصْفَرُ (زرد)

د قید زمان و مکان: اَلْيَوْمُ (امروز) - اَمْسٍ (دیروز) - غَدَ (فردا) - صَبَاحَ (صبح) - مَسَاءَ (عصر، شب) - لَيْلَ (شب) - نَهَارَ (روز) - قَبْلَ (پیش) - بَعْدَ (پس) - عِنْدَ (نزد) - اَمَامَ (روبه‌رو) - جَنْبَ (کنار)

ه شغل‌ها: حَذَّادُ (آهنگر) - نَجَّارُ (نجار) - مُمَرِّضَةٌ (پرستار) - كَاتِبٌ (نویسنده) - مُوظَّفٌ (کارمند) - عَامِلٌ (کارگر) - خَبَّازُ (نانوا) - حُلَّوَانِي (شیرینی‌فروش) - شُرْطِي (پلیس) - خِطَّاطَةٌ (خیاط) - طَبِيبَةٌ (پزشک) - طَبَّاحَةٌ (آشپز) - فَلَاحَةٌ (کشاورز) - مُدَرِّسٌ (معلم) - اُسْتَاذٌ (استاد)

و اعداد اصلی: واحد (یک) - اِثْنَانِ (دو) - ثَلَاثَةٌ (سه) - اَرْبَعَةٌ (چهار) - خَمْسَةٌ (پنج) - سِتَّةٌ (شش) - سَبْعَةٌ (هفت) - ثَمَانِيَّةٌ (هشت) - تِسْعَةٌ (نه) - عَشْرَةٌ (ده) - اَحَدَ عَشَرَ (یازده) - اِثْنَا عَشَرَ (دوازده)

ز اعداد ترتیبی: اَلْأَوَّلُ (اولی) - اَلثَّانِي (دوم) - اَلثَّالِثُ (سوم) - اَلرَّابِعُ (چهارم) - اَلْخَامِسُ (پنجم) - اَلسَّادِسُ (ششم) - اَلسَّابِعُ (هفتم) - اَلثَّامِنُ (هشتم) - اَلتَّاسِعُ (نهم) - اَلْعَاشِرُ (دهم) - اَلْحَادِي عَشَرَ (یازدهم) - اَلثَّانِي عَشَرَ (دوازدهم)

الْأَرْبَعِيَّاتُ

گفت‌وگوی اربعینی

گفت‌وگوی اربعینی

اَلشُّرْطِيُّ وَ الزَّائِرُ: گفت‌وگوی پلیس و زائر

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ!	- شُكْرًا. سَاعَدَكَ اللَّهُ!
- [به‌به!] خوش آمدید!	- تشکر. خدا قوت!
- كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟	- نَبْقَى أُسْبُوعَيْنِ.
- چند روز در عراق می‌مانید؟	- دو هفته می‌مانیم.
- إِلَى أَيِّ مَدْنٍ تُرِيدُونَ اَلذَّهَابَ؟	- إِلَى النَّجَفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ اَلكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ.
- به کدام شهرها می‌خواهید بروید؟	- به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا.
- كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي النَّجَفِ؟	- نَبْقَى يَوْمَيْنِ.
- چند روز در نجف می‌مانید؟	- دو روز می‌مانیم.
- وَ كَمْ يَوْمًا فِي بَاقِي الْمَدْنِ؟	- فِي الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ يَوْمَيْنِ، وَ الْبَاقِي فِي كَرْبَلَاءَ.
- و چند روز در بقیه شهرها؟	- در کاظمین و سامرا دو روز و بقیه در کربلا.
- اَتَمْنَى لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً!	- حَفِظَكَ اللَّهُ!
- زیارت مقبولی را [در پیشگاه خدا] برایتان آرزو می‌کنم!	- خدا شما را نگه دارد!
- حُذَّ جَوَازَكَ، فِي أَمَانِ اللَّهِ!	- شُكْرًا جَزِيلًا. فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ!
- گذرنامه‌ات را بگیر، در پناه خدا.	- سپاس فراوان، در پناه خدا (خدانگهدار)!

مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا. اَلْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع)

هر کس در [بعد از] مرگ ما، ما را زیارت کند، مثل این است که در [زمان] حیاتمان، ما را زیارت کرده است. امام صادق (ع)

پرسش‌های درس اول

۱ ترجمه ناقص عبارت‌های زیر را کامل کنید.

- | | |
|---|--|
| یک ساعت فکر کردن | ۱ «تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.» |
| غریب کسی است | ۲ «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.» |
| آرامگاه امام | ۳ «مَرْقَدُ الْإِمَامِ السَّابِعِ وَ التَّاسِعِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْكَاظِمِيَّةِ.» |
| صبحانه غذایی | ۴ «الْفُطُورُ طَعَامٌ نَأْكُلُهُ فِي الصَّبَاحِ.» |
| اشک‌ها قطره‌هایی | ۵ «الدُّمُوعُ قَطَرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ.» |
| مسواک | ۶ «الْفُرْشَةُ شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ.» |
| دو خواهر سخن معلم را | ۷ «الْأُخْتَانِ سَمِعَتَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَ هُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ.» |
| من به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا | ۸ «لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ.» |
| ما برای حفظ پاکیزگی طبیعت | ۹ «نَحْنُ نَذْهَبُ إِلَى الْجَبَلِ لِحِفْظِ نَظَافَةِ الطَّبِيعَةِ.» |
| تو آهنگر هستی | ۱۰ «أَنْتَ حَدَادٌ. تَصْنَعُ الْأَبْوَابَ وَ النُّوَافِذَ.» |
| بیشتر گناهان آدمیزاد | ۱۱ «أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.» |
| قطعاً خدا زیباست | ۱۲ «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ.» |
| هیچ خبری در سخنی نیست | ۱۳ «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.» |
| هر کس دانشی را پنهان کند، | ۱۴ «مَنْ كَتَمَ عِلْماً، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ.» |
| سال تحصیلی | ۱۵ «إِبْتَدَأَتِ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ.» |
| از پروردگارم حلّ | ۱۶ «أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي.» |
| پس نام معبودم | ۱۷ «فَاسْمُ إِلَهِی زَادَ سُورَوِی.» |
| مکتب ما روشنایی و زندگی | ۱۸ «مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ فِيهِ دُعَاءٌ فِيهِ صَلَاةٌ.» |
| دانشمندان از آن دانش‌آموخته | ۱۹ «يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَ يَدْرُسُ فِيهِ الْحُكَمَاءُ.» |
| دوره درس‌های | ۲۰ «أُجِبَ مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ.» |

۲ عبارت‌های زیر را بخوانید، سپس ترجمه درست را انتخاب کنید.

- | | |
|---|---|
| ۱ «إِبْتَدَأَ فَضْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.» | الف: فصل درس و خواندن و نوشتن و فصل راستگویی دانش‌آموزان آغاز شد. |
| ۲ «أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي.» | ب: فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان آغاز شد. |
| ۳ «كُرَّةُ الْقَدَمِ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدُ عَشَرَ لَاعِبًا.» | الف: پروردگارم را هنگام نشستن یاد خواهم کرد. |
| ۴ «الْغُرَابُ طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصُّوْبِ.» | ب: فوتبال ورزشی است که یازده بازیکن در آن بازی می‌کنند. |
| ۵ «غَايَةُ الْعَقْلِ الْإِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ.» | الف: بلبل پرنده‌ای است خوش‌رنگ که صدای زیبایی دارد. |
| ۶ «نَهَايَةُ عَقْلِ بَرطَرَفِ كَرْدَنِ نَادَانِي.» | ب: کلاغ پرنده‌ای است سیاه‌رنگ که خوش صدا نیست. |

۶ «أَنْتِ طَبِيبَةٌ تَفْحَصِينَ الْمَرْضَى بِدَقَّةٍ.»

الف: تو پزشک هستی [و] بیماران را با دقت تمام معاینه می‌کنی.

ب: تو پزشکی هستی که بیماران را با معاینه می‌شناسی.

ج: تو پزشک هستی که بیماران را با دقت تمام معاینه می‌کنی.

۷ «الْعَرَبِيَّةُ لُغَةٌ دِينِنَا وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِهَا.»

الف: عربی زبان دینی ماست و ما سخت نیازمند یادگیری آن هستیم.

ب: عربی زبان دین ماست و ما نیازمند یادگیری آن هستیم.

ج: زبان عربی زبان دین ماست و انسان‌های نیازمند به آن فراوانند.

۸ «أَنْتِ تَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟»

الف: آیا تو معنی آیه‌ها و احادیث آسان را خوب فهمیدی؟

ب: آیا تو معنی آیه‌ها و احادیث آسان را می‌فهمی؟

ج: آیا تو معنی آیات و احادیث را به آسانی می‌فهمی؟

۹ «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.»

الف: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان نابود می‌شوند.

ب: اگر انسان‌های پست مالکیت داشته باشند، دانشمندان هلاک می‌شوند.

ج: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی رسیدند، خوبان هلاک شدند.

۱۰ «الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ.»

الف: مؤمن، کم‌سخن [و] همه‌کاره است.

ب: مؤمن، کم‌حرف [و] پرکار است.

ج: مؤمن کم‌حرف از انسان پرکار بهتر است.

۱۱ «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطَبَ.»

الف: به راستی که حسادت نیکی را از بین می‌برد؛ مانند آتشی که محصول را از بین می‌برد.

ب: قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

ج: گاهی انسان‌های حسود کارهای نیک انجام می‌دهند، همان‌طور که آتش منزلی را گرم می‌کند.

۱۲ «إِنَّ خَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ.»

الف: حتماً رفع نیاز مردم از نعمت‌های خداوند است.

ب: نیازهای مردم به نعمت الهی بسیار فراوان است.

ج: قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از خداوند است.

۳ عبارات‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.

۱ «ابْتَدَأْنَا فَضْلَ الدِّرَاسَةِ وَالْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلَ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.»

۳ «مَنْ زَرَعَ الْغَدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»

۲ «لَيْسَتْ دُمُوعٌ غَيْنِي هَذِي لَنَا الْغَلَامَةُ؟»

۵ «مَنْ يَعْرِفُ حَدِيثًا حَوْلَ قِيَمَةِ الْعِلْمِ؟»

۴ «الْمُسْتَوْصَفُ مَكَانٌ لِفَخْصِ الْمَرْضَى.»

۷ «اعْلَمْ يَا صَدِيقِي رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ.»

۶ «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.»

۹ «أَنْتَنْ نَصْرْتَنْ صَدِيقَاتِكَنْ فِي الشَّدَائِدِ.»

۸ «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.»



۱۰ «إِنَّا قَادِرُونَ عَلَىٰ قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَالنُّصُوصِ الْعَرَبِيَّةِ الْبَسِيطَةِ.»

۱۱ «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ.»

۱۲ «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ.»

۱۳ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.»

۱۴ «الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ.»

۲ اسم‌های زیر را ترجمه کرده و جمع مکسر آن‌ها را بنویسید.

- | | | | |
|-----------------|-------------------|--------------------|-------------------|
| ۱ صَغْبٌ: | ۲ عام: | ۳ حَقِيقَةٌ: | ۴ كَنْزٌ: |
| ۵ نور: | ۶ أَمْرٌ: | ۷ حَاجَةٌ: | ۸ جَبَلٌ: |
| ۹ أَخٌ: | ۱۰ زَمِيلٌ: | ۱۱ رَصِيفٌ: | ۱۲ ذَهَابٌ: |

۵ فعل‌های زیر را ترجمه کنید.

- | | | | |
|----------------------------|--------------------------|----------------------|------------------------|
| ۱ تَكْتَبِينَ: | ۲ سَاطِبُجٌ: | ۳ عَرَفْنَا: | ۴ هَلْ فَهِمْتَ: |
| ۵ مَا جَاءَتْ: | ۶ لَا تَأْتِي: | ۷ يَسْمَعُ: | ۸ أَ تَصْدُقُ: |
| ۹ سَوْفَ تَلْعَبُنَ: | ۱۰ اِشْتَرَيْتُمْ: | ۱۱ أَتَمَنَّى: | ۱۲ يَزُورُ: |

۶ کلمات نادرست مشخص شده در جمله‌های زیر را اصلاح کنید.

- | | |
|---|---|
| ۱ «هَذَانِ الْبُنْتَانِ صَابِرَتَانِ.» | ۲ «أُولَئِكَ الْأَمَهَاتُ جَالِسَةٌ.» |
| ۳ «أَيْنَ جَلَسَ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟» | ۴ «هُنَّ وَصَلُوا إِلَى عُرْفَتِهِمْ.» |
| ۵ «هُمَا وَجَدُوا مِفْتَاحَهُمَا.» | ۶ «الْأَيْرَانِيُونَ خَدَمَنَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا.» |
| ۷ «أَنْتُمْ قَبِلْتُمْ كَلَامَ والدِكَ.» | ۸ «أَنَا تُحِبُّ طِبَّ الْعُيُونِ.» |
| ۹ «هَلْ تَعْرِفُ ذَلِكَ الْمَدْرَسَ يَا أُخْتِي؟» | ۱۰ «الْجَاهِلُ تَكْذِبُ وَالْعَاقِلُ لَا يَكْذِبُ.» |

۷ فعل‌های ماضی و مضارع را در عبارت‌های زیر مشخص کنید. ماضی مضارع

- | | |
|---|---|
| ۱ «مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ.» | / |
| ۲ «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.» | / |
| ۳ «أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.» | / |
| ۴ «أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي.» | / |
| ۵ «اِشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رَجَالِيَّةٍ وَ نِسَائِيَّةٍ مِنَ السُّوقِ.» | / |
| ۶ «أَغْسِلُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.» | / |
| ۷ «نَحْنُ نَعِيشُ فِي مَدِينَةِ طَهْرَانِ وَ نَذْهَبُ إِلَى الْجَامِعَةِ.» | / |
| ۸ «الْغُرَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ.» | / |
| ۹ «أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أُخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.» | / |
| ۱۰ «تَرْجِعُ الْأُمُّ وَ تَسْأَلُ فِرَاحَهَا: مَاذَا حَدَثَ؟» | / |

۸ کدام فعل از نظر زمان با بقیه فعل‌ها ناهماهنگ است؟

- | | | | |
|------------------------------------|------------------------------------|---------------------------------|---------------------------------|
| ۱ جلسوا ☐ | تَجَمَّعُونَ ☐ | كَتَمْنَا ☐ | جَلَبْتُ ☐ |
| ۲ صَبَرْتُمْ ☐ | عَبَّرْتُمْ ☐ | عَلِمْنَا ☐ | تَقْدِفَن ☐ |

- | | | | |
|-----------|------------|------------|-------------|
| جَعَلْتُ | نَكْتُبُ | يَسْمَعْنَ | أَهْرَبُ |
| سَمِعْنَا | أَعْرِفُ | ذَهَبْتُ | جَلَسْنَا |
| ضَعَدَنْ | صَنَعْتُمْ | شَرَحَا | تَطَرَّقَنْ |
| أَكَلُوا | أَمَرَا | أَسْمَعُ | أَخَذْنَا |
| عَمِلْتُ | عَمِلَ | عَمَلَا | أَعْمَلُ |
| نَقُولُ | بَقِيَ | مَضَى | هَجَرَ |
| يَقُولُ | عَاشَا | كَانُوا | قُلْتُ |
| سَأَلْنَا | أَدْرَسُ | تَخَرَّجُ | يَبْتَدِئُ |

٩ کدام فعل، مناسب ضمیر داده شده، است؟

- | | | | |
|-------------|--------------|-------------|-------------------|
| تَضِيرِينَ | نَضِيرُ | تَضِيرُونَ | أَضِيرُ |
| تَعِشْنَ | تَعِشُونَ | أَعِيشُ | نَعِيشُ |
| أَكَلْتُ | يَظْلِمْنَ | نَسْمَعُ | أَخَذْتُ |
| قَذَفْنَا | فَتَحْتُ | يَغْفِرُونَ | نَغْسِلُ |
| سَمِعَ | أَمَرَا | تَفْتَحْنَ | يَكْذِبُونَ |
| قَذَرْنَ | تَخْرُجْنَ | تَخْدِمِينَ | خَصَدْتُ |
| تَرْفَعُونَ | سَأَلْتُ | كَانَا | أَنْتُمْ آمَنُوا |
| يَبْحَثَانِ | شَاهَدْتُمَا | عَصَبَتَا | أَنْتُمَا وَقَعَا |
| حَاوَلْنَا | تَخَافِينَ | سَتَرْتُ | أَنْتِ خَضَرْتَ |
| أَخْرُسُ | شَجَعْتُ | قِيلَ | هُوَ كَانَتْ |

١٥ زیر هر تصویر، نام آن را به عربی بنویسید.



..... ٣



..... ٢



..... ١



..... ٦



..... ٥



..... ٤

(11)



-

-

- | | | | |
|-----------------|---------------------------------|---------------------------------|------------------------------|
| ٧ نَدِمْتُ | ☐ أَنْتَنِي | ☐ أَنْتَ | ☐ أَنْتِ |
| ٨ سَيَقْدِرُونَ | ☐ هُنَّ | ☐ أَنْتَنِي | ☐ هُمْ |
| ٩ قَرَّبَتْ | ☐ هُوَ | ☐ هِيَ | ☐ أَنَا |
| ١٠ مَا نَفَعَ | ☐ هِيَ | ☐ هُوَ | ☐ نَحْنُ |

١٣ کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات، ناهماهنگ است؟

- | | | | |
|------------|--------------------------------|----------------------------------|----------------------------------|
| ١ تَفَاح | ☐ زَمَان | ☐ نَار | ☐ تَمَر |
| ٢ شَهْر | ☐ عام | ☐ سَنَة | ☐ لِسَان |
| ٣ بَحْر | ☐ قَمَر | ☐ شَمْس | ☐ كَوْكَب |
| ٤ بَقْرَة | ☐ فَرَس | ☐ رِيَاضَة | ☐ غُرَاب |
| ٥ يَد | ☐ كُرَة | ☐ عَيْن | ☐ قَدَم |
| ٦ حَقِيقَة | ☐ طَبَاخَة | ☐ مُدَرِّسَة | ☐ مُوَلَّفَة |
| ٧ قَرْيَة | ☐ مَدِينَة | ☐ غَابَة | ☐ مُحَافَظَة |
| ٨ أَب | ☐ بَيْت | ☐ ابْن | ☐ بِنْت |
| ٩ ظَهْر | ☐ فُطُور | ☐ عَدَاء | ☐ عَشَاء |
| ١٠ أَحْمَر | ☐ أَخْضَر | ☐ أَسْوَد | ☐ أَضْغَر |

١٥ هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید (دو توضیح اضافی است).

- | | |
|-------------------|---|
| ١ اَلضَّيْفُ | • وَقْتُ نِهَآيَةِ النَّهَارِ وَبِدَآيَةِ اللَّيْلِ. |
| ٢ اَلْغُرَابُ | • اَرْضٌ وَّاسِعَةٌ فِيهَا اَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. |
| ٣ كُرَة الْقَدَمِ | • كِتَابٌ يَشْرَحُ مَعَانِي الْكَلِمَاتِ. |
| ٤ اَلْغَابَة | • لُغَةٌ عَالَمِيَّةٌ فِي مُنْتَظَمَةِ اَلْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ. |
| ٥ اَلْمَطْعَمُ | • فَضْلُ اَلْأَزْهَارِ وَبِدَآيَةِ فُصُولِ السَّنَةِ. |
| ٦ اَلْمَسَاءُ | • مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. |
| ٧ اَلْمُعْجَمُ | • قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ. |
| ٨ اَلْعَرَبِيَّةُ | • مَكَانٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى. |
| ٩ اَلزَّيْعُ | • مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَ اَلْغَدَاءَ وَ اَلْعَشَاءَ. |
| ١٠ اَلدُّمُوعُ | • هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ. |
| | • رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا. |
| | • طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصَّوْتِ. |

١٦ برای جاهای خالی داده شده، کلمه مناسب انتخاب کنید. (دو کلمه اضافی است).

نَذَهَبُ - عَسَلْتُهم - خَزَائِنُ - بَارِدٌ - تَطْبُخَانِ - مَصَابِيحُ - اَلْفَعْلُ - ذَهَبَ - ذَهَبِي - اَلْحَجَرُ - اَلْقَلْبُ - عَلَيْنَا

- | | |
|---|---|
| ١ «اَلدَّهْرُ يَوْمَانِ، يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ» | ٢ «أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ |
| ٣ «اَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّفْسِ فِي | ٤ «لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ |
| ٥ «اَلسُّكُوتُ وَ اَلْكَلَامُ فِصَّةٌ.» | ٦ «أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ إِلَى مُنْتَظَمَةِ الْعَمَلِ.» |



- ۷ «أَنْتُمْ..... مَلَايَسَكُمُ أُمْسِي؟»
 ۸ «أَيَّتُهُمَا الْبُنْتَانِ، هَلْ..... الطَّعَامُ؟»
 ۹ «الْعُلَمَاءُ..... الْأَزْضَى.»
 ۱۰ «الْعِلْمُ..... وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ.»

۱۷ با استفاده از کلمه‌های داده شده، متضاد هر کلمه را روبه‌روی آن بنویسید.

نَهَايَة - كَثِير - لَيْل - قَرِيب - جَمِيل - صَدَاقَة - يَمِين - غَالِي - شِرَاء - فَرَح - أَمْسِ - حَاز - خَيْر - مَرَض - صَغَر - جَاهِل

- ۱ قَلِيل ≠ ۲ حَزَن ≠ ۳ قَبِيح ≠ ۴ بَارِد ≠
 ۵ بَنِع ≠ ۶ زَخِيف ≠ ۷ شَر ≠ ۸ بَعِيد ≠
 ۹ بَدَايَة ≠ ۱۰ عَالِم ≠ ۱۱ الْيَوْم ≠ ۱۲ عَدَاوَة ≠
 ۱۳ كَبِير ≠ ۱۴ صَحَّة ≠ ۱۵ نَهَار ≠ ۱۶ يَسَار ≠

۱۸ این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

کتابان - زُمَلَاء - زَوْجَة - سَيِّدَات - مُدَرِّسَات - مَظْلُومُونَ - رِيَاضِيُونَ - جَزَيَان - مُتُون - قَلَم - أَصْوَات - ذَفَاتِير - آيَات - أُم -
 خَطَايَا - مَسْرُورَة - مُدِيرُونَ - إِنْسَانِي

مفرد	مثنی	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
۱	۲	۳	۴	۵



پاسخ نامه تشریحی

پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

۹ گزینه الف توجه» فعل‌هایی که بعد از «إِذَا، إِنْ، مَنْ، مَا» می‌آیند اگر در زبان عربی، ماضی باشند در ترجمه فارسی، مضارع ترجمه می‌شوند.

۱۱ گزینه ب

۱۰ گزینه ب

۱۲ گزینه ج

پاسخ ۳

۱ فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان را آغاز کردیم.

۲ این اشک‌های دیده‌ام برایمان نشانه نیست؟

۳ هر کس (تخم) دشمنی بکارد، خسارت (و زیان) درو می‌کند.

۴ درمانگاه محلی برای معاینه بیماران است.

۵ چه کسی حدیثی پیرامون ارزش علم می‌داند؟

۶ ادب آدمی از طلایش بهتر است.

۷ دوستم! بدان که خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.

۸ مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش آسوده باشند.

۹ شما، دوستانتان را در سختی‌ها یاری کردید.

۱۰ قطعاً ما نسبت به خواندن عبارت‌ها و حکایت‌ها و متن‌های ساده عربی توانا هستیم.

۱۱ کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند و خورشید و ماه و

ستارگان و کوه‌ها و درخت (درختان) او را سجده می‌کنند.

۱۲ همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، آن‌ها را در برابرم سجده‌کنان دیدم.

۱۳ قطعاً خداوند هیچگاه به مردم ستم نمی‌کند اما مردم خودشان

ستم می‌کنند.

۱۴ علم از ثروت بهتر است. علم تو را حفظ می‌کند و تو از ثروت

نگاهبانی می‌کنی.

۱ از عبادت هفتاد سال بهتر است.

۲ دوستی ندارد.

۳ هفتم و نهم در کاظمیه (کاظمین) است.

۴ است که در صبح آن را می‌خوریم.

۵ جاری از چشم‌ها هستند.

۶ چیزی است برای حفظ سلامتی دندان‌ها.

۷ شنیدند و آن‌ها به آن عمل می‌کنند.

۸ نزد من است و غیب نمی‌دانم.

۹ به کوه می‌رویم.

۱۰ درها و پنجره‌ها را می‌سازی.

۱۱ در زبانش است.

۱۲ و زیبایی را دوست دارد.

۱۳ مگر آن‌که با عمل همراه باشد.

۱۴ گویی که او نادان است.

۱۵ جدید را آغاز کردم.

۱۶ سختی‌هایم را درخواست می‌کنم.

۱۷ شادیم را افزایش داد.

۱۸ است که در آن نیایش و نماز است.

۱۹ می‌شوند و حکیمان در آن درس می‌دهند.

۲۰ کلاس هفتم و هشتم را دوست دارم.

پاسخ ۲

۲ گزینه ب

۱ گزینه ب

۴ گزینه ب

۳ گزینه الف

۶ گزینه ج

۵ گزینه الف

۸ گزینه ب

۷ گزینه ب

پاسخ ۴

- ۱ سخت - صِعب
- ۲ سال - اَعوام
- ۳ کیف - حَقَائِب
- ۴ گنج - كُنوز
- ۵ روشنایی - اَنوار
- ۶ کار - اُمور
- ۷ نیاز - حَوَائِج
- ۸ کوه - جِبَال
- ۹ برادر - اِخوان و اِخوة
- ۱۰ هم کلاسی - زُملاء
- ۱۱ پیاده‌رو
- ۱۲ رفتن

پاسخ ۵

- ۱ می نویسی
- ۲ خواهم پخت
- ۳ می شناسیم
- ۴ آیا فهمیدی؟
- ۵ نیامد
- ۶ نمی آید - نمی آیی **توجه** >> این فعل هم می تواند مفرد مؤنث غایب باشد و هم مفرد مذکر مخاطب.

پاسخ ۶

- ۷ اجازه می دهد
- ۸ آیا راست می گوید؟ - آیا راست می گویی؟
- ۹ بازی خواهید کرد
- ۱۰ خریدید
- ۱۱ آرزو می کنم
- ۱۲ زیارت می کند

پاسخ ۷

- ۱ هذان - هاتان
- ۲ جالِسة - جالِسات
- ۳ جَلَسَ - جَلَسَتْ
- ۴ هُنَّ - هُمْ
- ۵ وَجَدُوا - وَجَدَا
- ۶ خَدَمْنِ - خَدَمُوا
- ۷ اَنْتُمْ - اَنْتِ
- ۸ تُجِبُّ - أُجِبُّ
- ۹ تَعْرِفُ - تَعْرِفِينَ
- ۱۰ تَكْذِبُ - يَكْذِبُ

پاسخ ۸

- ۱ ظَلَمْنَا - ظَلَمُوا (هر دو ماضی)
- ۲ يَغْفِرُ (مضارع)
- ۳ لَا يَغْلَمُونَ (مضارع منفی)
- ۴ اَبْدَأُ - اَذْكَرُ (هر دو مضارع)
- ۵ اِشْتَرَيْتُ (ماضی)
- ۶ اَغْسِلُ (مضارع)
- ۷ نَعِيشُ - نَذْهَبُ (هر دو مضارع)
- ۸ شَاهَدْتُ (ماضی)

- ۹ تَعْرِفُ (مضارع) - لَا تَعْرِفُ (مضارع منفی)
- ۱۰ تَرْجِعُ - تَسْأَلُ (هر دو مضارع، حَدَّثَ ماضی)

پاسخ ۸

- ۱ تَجَمَّعُونَ (مضارع)
- ۲ تَقْدِفَنَ (مضارع)
- ۳ جَعَلْتَنَ (ماضی)
- ۴ اَعْرِفُ (مضارع)
- ۵ تَطْرُقَنَ (مضارع)
- ۶ اَسْمَعُ (مضارع)
- ۷ اَعْمَلُ (مضارع)
- ۸ نَقُولُ (مضارع)
- ۹ يَقُولُ (مضارع)
- ۱۰ سَأَلْتَا (ماضی)

پاسخ ۹

- ۱ نَضْبِرُ
- ۲ تَعِشْنَ
- ۳ اَكَلْتُ
- ۴ فَتَحْتُ
- ۵ اَمَرَا
- ۶ قَدَرْنَ
- ۷ تَرْفَعُونَ
- ۸ شَاهَدْتُمَا
- ۹ حَضَرْتُ
- ۱۰ قَبِلَ

پاسخ ۱۰

- ۱ حَقِيبَة
- ۲ سَمَاء
- ۳ لِسَان
- ۴ نار
- ۵ يَد
- ۶ شَجَرَة

پاسخ ۱۱

- ۱ يَلْعَبُ
- ۲ تَقْرَأُ
- ۳ يَضْحَكُ
- ۴ يَشْرَبُ
- ۵ تَأْكُلُ
- ۶ يَضَعُدُ

پاسخ ۱۲

- ۱ اِثْنَانِ - اَرْبَعَة - سِتَّة - ثَمَانِيَة - عَشْرَة - اِثْنَا عَشَرَ
- ۲ اَلثَّانِي - اَلرَّابِع - اَلْخَامِس - اَلسَّابِع - اَلتَّاسِع - اَلْعَاشِر - اَلثَّانِي عَشَرَ

- ۳ اَلْأَحَد - اَلثَّلَاثَاء - اَلْخَمِيس
- ۴ اَلرَّبِيع - اَلْخَرِيف - اَلشَّتَاء
- ۵ اَللَّغْدَاء - اَلْعِشَاء
- ۶ هُمَا - هِيَ - هُمَا - اَنْتُمَا - اَنْتِ - اَنْتُنَّ - اَنَا
- ۷ هُمْ - هَا - هِيَ - كُمَا - كُمْ - كَمَا - نَا
- ۸ يَغْلَمَانِ - تَغْلَمَانِ - يَغْلَمُنَ - تَغْلَمَانِ - تَغْلَمُونَ - تَغْلَمَانِ - اَعْلَمُ

پاسخ ۱۳

- ۱ اَنْتِ
- ۲ نَحْنُ
- ۳ هِيَ
- ۴ اَنَا



٥ هُما	٦ أَنْتُمْ	٥ ذَهَبَ	٦ نَذَهَبُ
٧ أَنْتِ	٨ هُنَّ	٧ غَسَلْتُمْ	٨ تَطْبُخَانِ
٩ هِيَ	١٠ هُوَ	٩ مَصَابِيحَ	١٠ خَزَائِنَ

پاسخ ١٣

پاسخ ١٧

١ نار	٢ لِسَان	١ كَثِيرَ	٢ فَرِحَ
٣ بَحْرَ	٤ رِيَاضَةَ	٣ جَمِيلَ	٤ حَارَ
٥ كُرَةَ	٦ حَقِيقَةَ	٥ شِرَاءَ	٦ غَالِي
٧ غَابَةَ	٨ بَيْتَ	٧ خَيْرَ	٨ قَرِيبَ
٩ ظَهَرَ	١٠ أَصْغَرَ	٩ نِهَائَةَ	١٠ جَاهِلَ

پاسخ ١٥

پاسخ ١١

١ هُوَ الَّذِي ...	٢ طَائِرٌ أَسْوَدٌ ...	١١ أَمْسَى	١٢ صَدَاقَةَ
٣ رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ ...	٤ أَرْضٌ وَاسِعَةٌ ...	١٣ صَغَرَ	١٤ مَرَضَ
٥ مَكَانٌ يَأْكُلُ ...	٦ وَقْتُ نِهَائَةٍ ...	١٥ لَيْلَ	١٦ يَمِينَ

پاسخ ١٨

پاسخ ١٨

١ زَوْجَةٌ - جَرِيَان - قَلَمٌ - أُمٌ - مَسْرُورَةٌ	٢ كِتَابَانِ - مُدَرِّسَتَانِ - إِنْسَانَانِ	٣ مَظْلُومُونَ - رِيَاضِيُونَ - مُدِيرُونَ	٤ سَيِّدَاتٌ - آيَاتٌ	٥ زُمَلَاءٌ - مُتُونَ - أَصْوَاتٌ - دَفَاتِيرٌ - خَطَابَا
---	--	--	-----------------------	---

پاسخ ١٦

پاسخ ١٦

١ عَلَيْكَ	٢ ذَهَبِهِ	١٦ سَيِّدَاتٌ - آيَاتٌ	١٧ زُمَلَاءٌ - مُتُونَ - أَصْوَاتٌ - دَفَاتِيرٌ - خَطَابَا
٣ اَلْحَجَرُ	٤ اَلْفِعْلُ	١٨ كِتَابَانِ - مُدَرِّسَتَانِ - إِنْسَانَانِ	١٩ مَظْلُومُونَ - رِيَاضِيُونَ - مُدِيرُونَ